



اصل حداقل مداخله، چالش پیش روی مداخلات حفاظتی در میراث فرهنگی کشف و تبیین کاستی‌ها و نواقص اصل مذکور با رویکردی نظری به آراء موجود در این حوزه

احمد امین پور* محسن عباسی هرفته**

چکیده

مداخلات حفاظتی از ارکان حفاظت میراث فرهنگی به شمار می‌روند و در این میان به نظر می‌رسد "اصل حداقل مداخله" به عنوان اصل بنیادین مداخله، در آثار جایگاه ویژه‌ای دارد. اما همین اصل کاستی‌ها و نواقصی دارد و پیش بینی می‌شود حفاظت در آینده با چالش‌های جدی مواجه شود. موضوع مقاله، بیان جایگاه مهم اصل مذکور در حوزه حفاظت، و نیز کشف و اثبات کاستی‌هایی است که به نظر می‌رسد بر این اصل وارد است. هدف مقاله، تبیین منظم این ایرادات و هموار نمودن مسیر، جهت مرتفع ساختن کاستی‌های این اصل و تقویت نکات مثبت نهفته در آن است. در این راستا، با تأمل در ساختار نظری اصل مذکور، از روش استدلال منطقی بهره برد، خواهد شد.

سرانجام خاطرنشان می‌شود که به دلیل تأثیر پذیری اصل مذکور از جو زمانی خاص، فقدان اصلی جایگزین در آن زمان، و نیز نگرانی مفرط درخصوص از دست رفتن آثار، اشکالات و نواقص بسیاری، از گزینش واژگان نامناسب در نام گذاری این اصل گرفته، تا عدم شمول و جامعیت، گریبان‌گیر اصل و زمینه ساز شکل گیری چالش‌های جدی در حوزه مداخلات حفاظتی گردیده است.

کلید واژه‌ها: حفاظت، مداخله، حداقل مداخله، مداخلات حفاظتی، میراث فرهنگی

مقدمه

تنگنا تنگ میان حفاظت و مداخلاتی که با این هدف انجام شود، باشد و وهله بعد اصل مداخله در آثار آن با اصل بنیادین حفاظت، و سرانجام به تجزیه و تحلیل آن و پرده برداری از ماهیت اصل مورد نظر در حوزه مداخلات حفاظتی و نیز چالش‌های نظیر می‌پردازد؛ «چالش‌هایی که بر طرف ساختن آن‌ها می‌تواند تقریب به «هدف مقاله، اصلاح و ارتقاء اصول بنیادین مداخلات حفاظتی، و سرانجام ارتقاء حفاظت میراث فرهنگی» را در پی داشته باشد.

روش تحقیق

برای اثبات فرضیه، پاسخ به مسئله و نیل به اهداف تحقیق - اشاره شده در قسمت قبل - مقاله از روش استدلال منطقی بهره خواهد گرفت. مباحث نظری مطرح شده در پیوند با مداخلات حفاظتی، از بدو شکل‌گیری اصل حداقل مداخله و ریشه‌های آن تا ارائه خواهد شد. بنابراین مقاله ماهیتی نظری دارد و با رویکردی تحلیلی - تفسیری به تأمل در ساختارهای نظری اصل مذکور و تجزیه و تحلیل ابعاد مختلفی که این اصل شامل می‌شود و ریشه‌های تشکیل و نحوه تکوین آن می‌پردازد و تلاش می‌کند با پرده برداری از ماهیت این اصل، کشف و تبیین کاستی‌ها و نیز نواقص وارد بر آن را موجب گردد.

تعریف مداخله

مداخله، ترجمه فارسی واژه Intervention (آریانپورکاشانی ۱۳۶۹؛ حق شناس و دیگران ۱۳۸۵؛ حبیب ۱۳۷۵) یکی از واژگان کلیدی در حفاظت امروز است. مداخله اسم مصدری عربی از ماده کلمه "دخل، یدخل" است که در فارسی به "دخال" ترجمه شده، هر چند استفاده از کلمه مداخله نیز رایج است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۴۸۹، ۲۰۵۱۸-۲۰۵۱۹؛ عمید، ۱۳۷۹: ۹۲۶-۹۲۷، ۱۷۷۸-۱۷۷۹؛ معین، ۱۳۶۰: ۱۴۹۸، ۳۹۵۷). مداخله در عربی و دخالت در فارسی، به معنای داخل شدن در کار کسی و دخالت در امور دیگران آورده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۴۸۹). این کلمات بارمعنایی منفی داشته که به نوعی داخل شدن غیرموجه در کاری تعبیر می‌شود؛ تا بدانجا که در لغت نامه دهخدا آشکارا «در آمدن مرد در کاری که کار او نباشد» معنی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۵۱۹)؛ هرچند این دخالت می‌تواند جنبه‌های مثبتی هم داشته باشد که در آن صورت بیشتر از کلمات وساطت، شفاعت و... استفاده می‌شود. غیرموجه بودن این امر از آن رو است که مداخله روند طبیعی پدیده

حفاظت از راه مداخله (مستقیم یا غیر مستقیم) در میراث فرهنگی تحقق می‌یابد و بدون مداخله، موضوعیت و موجودیت خود را از دست خواهد داد. از همین رو نیز مداخلات حفاظتی و کم و کیف انجام آن‌ها، همواره و در طول شکل‌گیری و تکوین حفاظت نوین، از نقش مهم و اساسی برخوردار بوده اند؛ تا بدانجا که به جرأت می‌توان مقوله مداخله را همراه، همزاد و رکن رکن جریان حفاظت نوین برشمرد. از سوی دیگر، مقوله مداخله در آثار فرهنگی و چگونگی تحقق آن، از چالش برانگیزترین مقولات حفاظت به شمار می‌رود. مروری تاریخی بر شکل‌گیری جریان حفاظت، خود بیانگر آن است که وجه غالب مباحث مطرح شده میان نظریه پردازان حقیقی و حقوقی این حوزه، حول این محور در جریان بوده است. هنوز هم با لحاظ کردن همه پیشرفت‌های دانش حفاظت، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که "گویا مهمترین اصل حفاظت امروز، یعنی اصل حداقل مداخله، خود منشاء جدی‌ترین چالش‌ها است؛ هر چند تاکنون اشاره بدین نواقص، جسته گریخته و اجمالی بوده است؛ اما می‌توان پیش‌بینی کرد این انتقاد‌ها، هجمه‌های پر دامنه‌ای را در آینده نزدیک به این اصل، و از رهگذر آن به اصول اساسی حفاظت، در پی خواهد داشت؛ چالش‌هایی که ارتقاء حفاظت در گرو تأمل در آنها و اندیشیدن به راهکارهایی در جهت برون رفت از مشکلات مبتلا به آنهاست." فرضیه مذکور را می‌توان در سه سطح تجزیه و تبیین کرد که بر همین اساس، ساختار مقاله حاضر نیز شکل گرفته است:

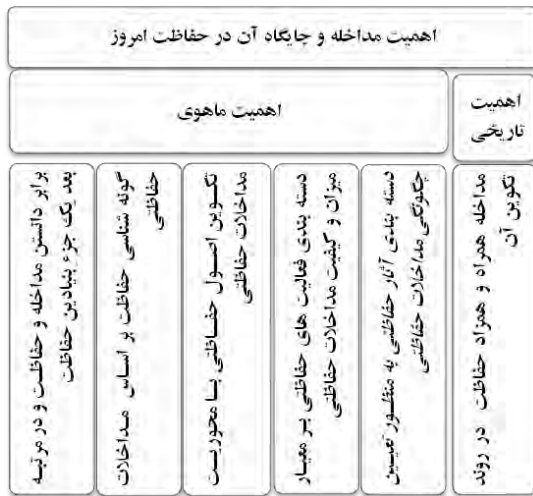
سطح ۱: گویا ارتباط میان مداخله و حفاظت وجود دارد و تحقق کیفیت مطلوب حفاظت، در گرو کم و کیف مداخلات حفاظتی است.

سطح ۲: از قرار معلوم مهمترین اصل حفاظت امروز، حداقل مداخله است.

سطح ۳: اصل حداقل مداخله، کاستی‌ها و چالش‌هایی دارد که شناخت آنها می‌تواند به ارتقاء این اصل و به پیرو آن، حفاظت منجر شده و بی‌توجهی بدان، به چالش‌های آتی در حفاظت منجر می‌گردد.

هدف مقاله، اثبات این فرضیه در چارچوب نظری است بر همین اساس، «تمرکز اصلی مقاله، تجزیه و تحلیل اصل حداقل مداخله و نهایتاً کشف نواقص و ایرادات وارده بر آن است»

دقیق‌تر تحقیق حاضر در وهله‌ای نخست به رابطه



تصویر ۱. اهمیت مداخله و جایگاه آن در حفاظت امروز

بناهای تاریخی در قرن نوزدهم در غرب و مواجهه با این جریان، از مهمترین دلایل اقبال به سمت تفکر حفاظت نوین تلقی می شود» (Pye 2001: 52). این تخریب‌ها به همراه فعالیت دیگر عوامل آسیب رسان، نگرانی از دست دادن این آثار را بوجود آورد و بدان دامن زد. نگرانی (ای) که نقش درخور توجهی در شکل گیری حفاظت نوین داشت (ریوکیتو 1387: 222؛ 2000: 16, 25؛ Caple 2000: 33؛ Redondo 2008: 33). در این زمان به دلایل متعدد آثار تاریخی و میراث فرهنگی برای انسان دوره جدید واجد ویژگی هایی تلقی شدند که باید از آن‌ها صیانت شود و نگرانی از دست رفتن این آثار به مثابه آثاری که بواسطه قدمت یا ندرت برای انسان این دوره با ارزش بودند، موضوعیت یافت. هرگونه دخل و تصرف در آن‌ها با هر دلیل و هدفی، حتی با هدف حفاظت از آن‌ها، محل بحث و گفتگو قرار گرفت، تا بدانجا که مجموعه این چالش‌ها به شکل گیری هرآن چیزی منجر شود که حفاظت امروز داعیه دار پرداختن بدان‌هاست. بر همین اساس، اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ شاهد شکل گیری اندیشه هایی درباب مجموعه مداخلات در آثار هستیم، اندیشه هایی که پایه گذار تفکرحفاظت نوین شمرده می شود. مجموعه قوانینی که در سال ۱۷۷۸، زیر عنوان کاپیتولی، توسط مجلس سنای ونیز به منظور مداخله در نقاشی‌ها و با هدف مرمت آنها تصویب شد، مقارن باشکل گیری حفاظت به شکل امروزی آن در غرب دانسته شده است (Conti 2007: 191-193؛ Vinas 2009: 47). در اواسط قرن نوزدهم یعنی هنگامی که حفاظت نوین در حال شکل گیری و تشبیت بود، رد پای مهمترین اصل مرتبط با مداخله را در نوشته‌های یک مرمتگر آلمانی

را دستخوش تغییر (چه مثبت و چه منفی) کرده و آن را از مسیر معمول یا معهود آن خارج می سازد. چون این اتفاق به واسطه نیروهایی است که از بیرون بر آن پدیده وارد شده و درونی و داخلی و به تعبیری، جوشیده از دل آن پدیده و در طی روند طبیعی آن نیست، نوعی از غیر موجه بودن را در بطن خود به همراه دارد. هر چند در برخی موارد، مداخله و تغییر روند طبیعی، لاجرم و ناگزیر می نماید. مداخله در هر امری همراه با تغییر است و این، تلویحاً معنای لغوی آن هم مستفاد می گردد؛ مداخله در آن صورت می گیرد - حتی اگر این تغییر فقط به تسریع آن روند منجرشود- به وقوع نپیوندد، فعل مداخله موضوعیت خود را از دست می دهد. این معنای دخالت سرزده، اجباری و به نوعی غیرموجه، در انگلیسی نیز از واژه Intervention بر می آید. به گونه ای که مداخله به معنای گرفتن یک تصمیم یا ایفای یک نقش ناخوانده و یک اقدام خودسر تعبیر شده است (Collins, 1986).

در حفاظت هم که این واژه در جایگاهی تخصصی به کار می رود، باز در معنای اعمال دخالت همراه با تغییر در اثر است «به گونه ای که هر تغییری در وضعیت جاری بنا، مداخله تعبیری می شود» (M. C. M. 1991: 04-1) و یا «هر تغییر، دخل و تصرف، تعمیر و یا نگهداری محیط های تاریخی، مداخله نامیده می شود» (Understanding Conservation, 2011). بنابراین مداخله در حوزه حفاظت آثار تاریخی مشخصاً به معنای داخل شدن در روند طبیعی زندگی اثر و انجام اقدامات و اعمال تغییراتی بر آن‌ها است (Staniforth, 2010: 52). که می تواند منجر دراز شدن عمر یا وارد آمدن آسیب بر آنها گردد و چون فعالیتی است که روند طبیعی میان تشکیل تا تخریب آثار را دستخوش تغییر قرار می دهد و نوعی دخالت در این روند قلمداد می شود، از این واژه (مداخله) استفاده شده است. با این حال در فرهنگ حفاظت نوین، «مداخله، هر فعالیتی را در بر می گیرد که موجب اختلال، تعرض و یا تغییر در یک اثر گردد» (ICOMOS New Zeland, 1993-2010).

پیشینه تحقیق

مداخله و جایگاه آن در حوزه حفاظت

مداخله در حفاظت امروز، حوزه‌ها و زیر حوزه‌های پراهمیتی را شامل می گردد که در این بخش به اهم آنها اشاره خواهد شد (تصویر ۱).

قرن نوزدهم و حول و حوش این دوره همزمان با انعقاد تفکر حفاظت نوین بود (Vinas, 2005: 2, 29). «موج تخریب

می‌یابیم، که به این مهم اشاره دارد (Daly Hartin, 1990: 33)، در چالش‌های افرادی چون لودو، بلترامی، راسکین، سیت و دیگران که تشکیل و تکوین تفکر حفاظت نوین ریشه در مباحث آن‌ها دارد، محوریت با چند و چون "مداخله" در آثار است. برای مثال جان راسکین (Ruskin, 1883) و طرفدارانش از یک سو (Morris, 1877) و ویوله لدوک و دیگران از سوی دیگر بسیار به مقوله کم و کیف مداخله در آثار پرداختند (بازيله، ۱۳۸۷: ۱۲). این چالش‌ها سرانجام تابدان مرحله پیش رفت که در اوایل قرن ۱۹ دو حوزه حفظ و نگهداری^۱ و مرمت^۲ بر اساس میزان مداخله از یکدیگر مشخصاً تفکیک و طرفداران خاص خود را پیدا کرده؛ مباحثی که به تدریج، شکل‌گیری و بلوغ جریان حفاظت را در پی داشت (Vinas 2005: 3-5; Staniforth 2010: 75; Tyler et al 2009: 191). بنابراین مقوله مداخله را می‌توان در روند شکل‌گیری دانش حفاظت، نطفه‌آغازین و از مهمترین دلایل شکل‌گیری این دانش برشمرد و آن را همزاد و از آغاز همراه حفاظت دانست (کشاورز ۱۳۸۷: ۳۳)، و اگر نه تکلیف حفاظت روشن بود و به این همه منشور، توصیه نامه و ... که همگی پس از بیان اهمیت حفاظت و ارائه تعاریف، به بیان کم و کیف مداخله در آثار می‌پردازند، نیازی نبود.

از جایگاه مداخله در تاریخ شکل‌گیری حفاظت نوین که بگذریم، به لحاظ ماهیتی نیز می‌توان به اهمیت مقوله مداخله و ضرورت توجه بدان پرداخت. هدف حفاظت به درازا کشاندن عمر اثر است (Vinas, 2009: 56). مداخله، کاری است که این مهم را محقق می‌سازد (براندی، ۱۳۸۷: ۳۷)؛ بنابراین پیوندی تنگاتنگ میان این دو مقوله همواره وجود دارد. به گونه‌ای که می‌توان حفاظت را چگونگی مداخله و چند و چون آن در آثار تلقی نمود. بسیاری از دسته‌بندی‌ها و تقسیم‌بندی‌های ارائه شده از آثاری که مورد حفاظت قرار می‌گیرند، فعالیت‌های حفاظتی، و حتی گونه‌شناسی حفاظت نوین، بر مبنای نوع مداخله و نتایج حاصله از آن بوده است. یکی از اولین دسته‌بندی‌های صورت گرفته از آثار، یعنی تقسیم‌بندی آنها به دو گروه زنده و مرده نیز، بدلیل تعیین حدود مداخله در آن‌ها صورت گرفت؛ چرا که بلافاصله پس از این تقسیم‌بندی است که از حدود مداخله در هر یک از این گروه‌ها سخن رانده می‌شود (International Congress of Architects, 1904).

فیلدن در کتاب خود، بر مبنای میزان مداخله، به تقسیم فعالیت‌های حفاظتی می‌پردازد (Feilden, 2003: 8-9)؛ ویناس هم در کتاب تئوری معاصر حفاظت (Vinas, 2005: 25) و نیز، پای در کتاب مراقبت از گذشته (Pye 2001: 148) بر همین

اساس، فعالیت‌های حفاظتی را دسته‌بندی کرده‌اند. گونه‌شناسی و تقسیم‌بندی حفاظت بر مبنای معیار مداخله نیز، در طول تاریخ شکل‌گیری حفاظت نوین، امری رایج بوده است. «حفاظت بر اساس معیارهای متعدد، به دسته‌های مختلفی تقسیم شده است. اما همه این معیارها و تقسیمات انجام شده را می‌توان در ذیل دو معیار عمده تقسیم‌بندی کرد، که یکی از آنها، میزان مداخله در اثر است» (Pye 2001: 122). در میانه قرن بیستم، دو تئوری مهم حفاظت - نظریه حفاظت زیباشناسانه و نظریه حفاظت علمی - بر محور نحوه مداخله در آثار، و در تقابل با یکدیگر، مباحث اصلی حفاظت را به خود اختصاص دادند؛ اولی مداخله را تا حد تثبیت یا بازگرداندن تمامیت اثر، مشروع می‌دانست و دیگری همین امر را موجب کاهش ارزش‌های تاریخی مندرج در آن بر می‌شمرد (Vinas, 2005: 67). «در بسیاری از کشورها مثل کشورهای آمریکای شمالی بر همین اساس و حساسیت بر روی میزان مداخله واژه مرمت به واژه حفظ و نگهداری تغییر یافت» (Meraz, 2008: 31).

حفاظت پیشگیرانه که هم‌اکنون بر انواع دیگر حفاظت که به درمان آسیب‌ها می‌پردازند برتری یافته و سفارش می‌شود (Pye 2001: 130, 156; Williams 1997: 199; AIC 1996: 29) با نگرش خود درباره مقوله "مداخله" و نیز تأکید آن بر شکل خاصی از مداخله و میزان آن تعریف می‌شود (Pye, 2001: 130, 132; Villers, 2004: 7).

در اوایل قرن نوزدهم و با پیشرفت حفاظت نوین، اهمیت مداخلات حفاظتی تا بدانجا افزایش می‌یافت که مداخله با حفاظت برابر دانسته می‌شود. (House of Lords, 2006: 11) براندی در نظریه مرمت خود، مرمت را «تشخیص روش‌مند مداخله» تعریف می‌کند (براندی، ۱۳۸۷: ۷۹) و درجایی دیگر، مرمت را به طور کلی به معنی مداخله بر می‌شمارد و بدینوسیله بر جایگاه مداخله در روند حفاظت - و مرمت به عنوان بخشی از آن - تأکید می‌کند (براندی، ۱۳۸۷: ۳۷). بعدها و در نگرشی وسیع‌تر به مقوله حفاظت، مداخله به عنوان بخشی بنیادین از حفاظت، و نه برابر با آن پذیرفته شد (Avrami et al, 2000: 3).

به همین دلیل نیز مداخله از وجوه مهم، و شاید به تعبیری، مهمترین وجه حفاظت نوین قلمداد می‌گردد (Division of Vertebrate Paleontology, 2007) که دیگر اصول حفاظت بر آن استوارند (Vinas, 2005: 188-189) و حفاظت موفق به تحقق مناسب آن منوط است. اما می‌توان از این مرحله نیز پیش‌تر رفت و نه تنها مداخله را رکنی اساسی در حوزه حفاظت امروز بر شمرد، بلکه



(ICOMOS 1964; House of Lords 2006: 52).

بر اساس منشور ونیز کار حفاظت موقوف به اضطرار و ضرورت، حداقل بودن و مانع نشدن از مداخلات آتی (بازگشت پذیری)، شد (House of Lords 2006: 117).

فیلدن در کتاب خود، بر اصل حداقل مداخله تأکید می‌کند (Fielden 2003: 6).

الیزابت پای در کتاب مراقبت از گذشته، سه اصل حفاظت نوین را شامل: آسیب‌نرساندن به منزلت و ویژگی‌های اثر با انجام مداخلات حفاظتی، حداقل مداخله، و خوانایی مداخله (تمایز با بخش‌های اصیل) دانسته است (Pye, 2001: 32).

نیگل دان و تیموسی کانتل در مقاله خود در کتاب فهم حفاظت از ابنیه تاریخی، ۵ اصل مداخله را که حاصل ۱۵۰ سال اندیشه کارشناسان حفاظت تاریخی می‌دانند، شامل حداقل مداخله، استفاده از مواد و روش‌های مشابه تا حد امکان، بازگشت پذیری، صداقت (تمایز) در مداخله و توجه به اهمیت مستندسازی در خلال مداخله می‌دانند و از بین این اصول، حداقل مداخله را رایج‌ترین و پذیرفته‌ترین در میان مابقی معرفی می‌کنند (Dann et al, 2007: 188).

فورسیس اصول کار حفاظت را حداقل مداخله، بازگشت پذیری و استفاده از شیوه‌ها و مصالح مشابه معرفی می‌داند (Forsyth, 2007: 6-7).

سالوادور ویناس سه اصل حفاظت مدرن را حداقل مداخله، بازگشت پذیری، و توجه به طبیعت اثر (درانتخاب و انجام مداخله) برمی‌شمارد (Vinas, 2009: 49).

موسسه معتبرگتی در یکی از مهمترین انتشارات خود، حداقل مداخله، بازگشت پذیری، و اصالت را از اصول بدیهی حفاظت نوین قلمداد می‌کند (Avrami et al, 2000: 8).

به زعم هانسن-بور، تمامی اصول حفاظت نوین را می‌توان در اصول سه‌گانه‌ای که وی آن‌ها را اصول حداقلی حفاظت، شامل حداقل مداخله، بازگشت پذیری و استواری می‌داند، جمع‌بندی کرد (Hanssen-Bauer, 1996).

در یک جمع‌بندی می‌توان مهمترین اصول مداخله نوین را این‌گونه بر شمرد:

حداقل مداخله، بازگشت پذیری در مداخلات انجام شده، تشابه مصالح و تکنیک حفاظتی با بخش اصیل و تمایز بین مداخلات انجام شده با بخش‌های اصیل.

دیده می‌شود که کلیه این اصول، در حقیقت اصول "مداخله" در آثارند. بنابراین می‌توان در یک مرور تاریخی، اصول حفاظت را از بدو شکل‌گیری دانش حفاظت تاکنون، در این میان اصل "حداقل مداخله" جایگاهی به مراتب شناخته‌شده‌تر و پذیرفته‌تر دارد؛ به گونه‌ای که «مهمترین کار

همانگونه که اشاره شد، حفاظت نوین، بر پایه چالش‌هایی که درخصوص مداخله در آثار و نحوه آن انجام گرفته، شکل گرفته است.

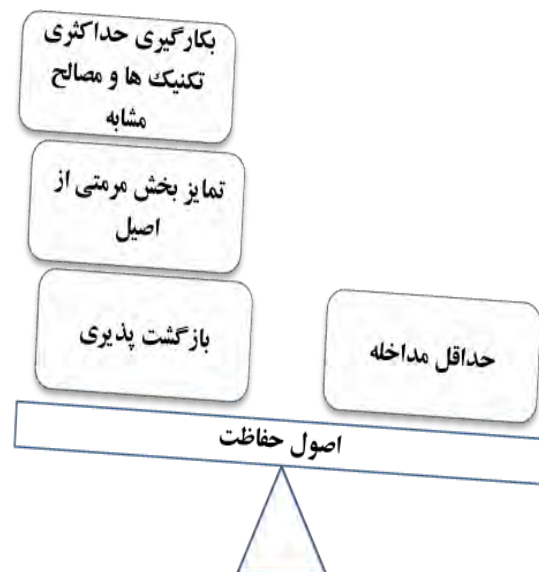
تناظر یک به یک اصول مداخله و حفاظت

پس از تبیین رابطه تنگاتنگ حفاظت و مداخله، فرضیه انطباق اصول حفاظت و مداخله و معرفی اصل حداقل مداخله به عنوان مهمترین اصل حفاظت امروز پی گرفته خواهد شد.

از قرن هجدهم سنای ونیز قوانینی وضع کرد که آن را می‌توان به مثابه اصول آغازین حفاظت مدرن قلمداد نمود (Vinas, 2009: 47; Conti, 2007: 191-193). تا کنون همواره تلاش بر تعریف اصول و قوانینی برای تحدید اقدامات حفاظتی وجود داشته و «نیاز به محدود کردن اقدامات افراطی احتمالی در حفاظت، از گذشته دور همواره احساس می‌شده است» (Vinas, 2009: 47). به دلیل اهمیت این موضوع در امر حفاظت، اصول و قواعدی در این باره وضع و تدوین شده است؛ که در وجه غالب، اصول مداخله در آثار (Vinas, 2009: 47). در این اصول سعی شده است حفاظت مدیریت و کنترل شود.

از آغاز، «نظریه پردازان مداخله در بافتهای کهن شهری... به ارائه آراء خود درباره اصول مداخله پرداخته‌اند... برای نمونه اوژن ویوله لودوک همراه با لزوم تخریب، بازسازی، و زیباسازی به حفظ تک بناهای با ارزش به شیوه‌ای موزه‌ای معتقد بود. پس از وی، جان راسکین مرمت محتاطانه تاریخی را با دیدی کاملاً فرهنگی مطرح کرد. لوکا بلترامی نیز با همین دیدگاه، بازسازی موبه مو را پیشنهاد کرد. اما کامیلو سیت با اعتقاد به مرمت تاریخی، تعلق و ارزش پذیری بنا را از محیط دانسته و مخالف حذف عناصر محیطی و تخریب بافت است. پس از وی کامیلو بوئی ربدون تو برای اولین بار، نظریه معاصر سازی بافت‌ها را با تزریق محتوای جدید در اشکال قدیم مطرح کرد» (عزیزی، ۱۳۷۹: ۳۹). این نظریات، هر چند بعد از این افراد از قالب نظریات فردی به توصیه‌های جمعی تغییر کرد، اما تمرکز بر مداخله نشان از نقش کلیدی آن در حوزه حفاظت دارد.

«برای اولین بار انجمن حمایت از بناهای تاریخی^۴ در سال ۱۸۷۷ طی بیانیه‌ای اصولی را برای حفاظت معرفی کرد که در سراسر جهان مورد اقتباس و بهره‌برداری قرار گرفت؛ این اصول شامل: حداقل مداخله، بازگشت پذیری، و مقدم بودن تعمیر بر جایگزینی می‌شد»



تصویر ۲. مهمترین اصول حفاظت نوین؛ کفه ترازو در میان این اصول همواره با اصل حداقل مداخله به عنوان مهمترین اصل حفاظت امروز است

یا به تعبیری، اصل متعارف حفاظت امروز، همان حداقل مداخله است» (Division of Vertebrate Paleontology, 2007).

چرایی طرح اصل حداقل مداخله؛ مداخله ضرورت نامطلوب

بنابر این، متعارف‌ترین و مهم‌ترین اصل حفاظت نوین، به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، همان اصل "حداقل مداخله" است.^۵ (Pye, 2001: 32; Division of Vertebrate Paleontology, 2007; Villers 2004: 3 هر مداخله‌ای باید در حداقل لازم انجام شود.^۶ (Fielden 2003: vii; Clavir 2002: 165; Fielden 2003: xi) افراد متعددی سعی در تعریف اصل "حداقل مداخله" داشته‌اند (Caple, 2000: 65). کرفیلد خاطر نشان می‌کند که حداقل مداخله یعنی اینکه «حفاظتگر باید پیامدهای هر اقدامی را بروی اثر کاملاً بسنجد و تصمیم بگیرد که آیا انجام آن واقعاً ضروری است یا خیر» (Corfield, 1988: 261-5) بروکس این اصل را «انجام حداقل ممکن می‌داند که سلامت آینده اثر را تضمین کند» (Brooks, 1998: 74-81). ویناس معنی تلویحی این اصل را چنین مطرح کرده است که «حفاظت در عین حال که به ارتقاء یا پاسداشت معانی مورد نظر حفاظتگر از اثر می‌پردازد باید حداقل آسیب ممکن را به دیگر ارزش‌های آن وارد کند» (Vinas, 2009: 56).

اما برای درک دقیق مفهوم حداقل مداخله و این که

چرا بر قید حداقلی در امر مداخلات حفاظتی تأکید شده است، تأملی بر ریشه‌های شکل‌گیری حفاظت نوین می‌تواند راهگشا باشد. «آغاز استفاده گسترده از صفت حداقل برای توصیف کارهای حفاظتی را می‌توان در دهه ۱۹۷۰ شاهد بود» (Villers, 2004: 3)؛ هر چند «اولین زمزمه‌های حداقل مداخله را می‌توان در نظرات یک مرمت‌گر آلمانی (به نام پکت^۷) در سال ۱۸۶۹ جستجو کرد که پذیرفتن آسیب را بر پنهان کردن آن (درمان) ترجیح داد» (Daly Hartin, 1990: 33). از آغاز شکل‌گیری جریان حفاظت به شکل امروزی آن، اقدامات حفاظتی که از آن‌ها به عنوان مداخلات در آثار یاد می‌شود، نیازمند داشتن چارچوب، ضوابط و قوانینی تشخیص داده شده‌اند که آن‌ها را محدود نموده و از اعمال و انجام حرکت‌های سلیقه‌ای، خودسرانه و احتمالاً تخریب‌کننده در اثر، جلوگیری کند. ریشه اصلی این را باید در آن دانست که، جریان حفاظت نوین همواره با نگرانی و ترس از دست دادن آثار همراه و همزاد بوده است. حجم بالای تخریب آثار پس از انقلاب صنعتی (بنه ولو، ۱۳۷۷: ۲۳۸؛ Pye, 2001: 52؛ از یک سو و آثاری که در دوره جدید ارزش‌های ویژه‌ای برایشان تصویر شده بود (یوکیلنو، ۱۳۸۷: ۹) از سوی دیگر، دلیل عمده این نگرانی و تشویش بود با به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد «مهمترین دلیل حفاظت جدید، ترس از دست دادن آثاری بود که دیگر قابل تولید نبودند و جنبه انحصاری پیدا کرده بودند» (یوکیلنو، ۱۳۸۷: ۸۵). کم‌رنگ شدن جریان بقا و تولید این آثار به این نگرانی دامن می‌زد؛ «مردم هرچا نگران سنت‌هایشان هستند که دیگر تداوم نمی‌یابند، که جوانان به فرهنگ‌های دیگر اقبال می‌یابند، دشواری تداوم تولیدات بومی هنرمندان را نگران کرده است...» (Avramia et al, 2000: 33) همه این نگرانی‌ها زمینه ساز جنبش‌های حفاظتی شد. اساساً اقبال گسترده از اصل "حداقل مداخله" به عنوان یک روش درست در حفاظت از آثار از منظر همین افزایش نگرانی و ترس از دست رفتن آثار و وارد آمدن آسیب‌های غیر قابل جبران به آن‌ها قابل بررسی و مطالعه است (Redondo, 2008: 33)؛ آثاری که دیگر امکان تولید آن‌ها نبود یا اگر هم بود، مؤلفه‌های تاریخی (ای) که هم کنون ارزش آثار را تعیین می‌کردند، اثری را که تولید یا تعمیر شده بود را هم ارزش اثر اصیل ندانسته و اصل را رانموده می‌دیدند و بنابراین تنها کاری که باقی می‌ماند، نگه داشتن اثر تا حد امکان در وضعیتی بود که داشت.

از سوی دیگر، فلهوای واژه حفاظت در فرهنگ لاتین، منظری دیگر را به روی ما می‌گشاید: Conserve مراقبت از



حلقه‌های مفقوده و نقاط مبهم^{۱۱} حفاظت جدید را می‌توان در آسیب‌پذیری اصل حداقل مداخله جستجو کرد و به دنبال راهکاری در جهت برون رفت از بن بست‌های پیش روی این اصل، به ارتقاء حفاظت کمک کرد. بنابر این هدف این رساله را می‌توان جستجو و رسیدن به اصولی در این باره دانست.

الف-۳- حداقل مداخله؛ چالش‌ها و لزوم تجدید نظر در آن

این اصل با همه مزایای خود در مسیر حفاظت، هنوز ابهامات و چالش‌های زیادی رادپیش روی خود می‌بیند (Caple, 2000: 65; Vinas, 2005: 188; Vinas, 2009: 10-13; Ackroyd et al, 2003: 9-14; Villers, 2004: 3-10). هرچند اصل مذکور کماکان در جامعه تخصصی حفاظت مورد اجماع نسبی است، اما منتقدان و متخصصانی هم هستند که چالش‌های جدی را بر آن وارد آورده‌اند که هدف مقاله نیز پرداختن به مهمترین ابهاماتی است که در ادامه بیان خواهد شد. ابهاماتی که شناخت آنها می‌تواند راه را برای ارتقاء اصل مذکور هموار سازد. این نکات مبهم تا آنجا جدی تلقی می‌شوند که کارولاین ویلرز با ایده "عبور از حداقل مداخله" ضرورت وضع اصلی جایگزین را مطرح می‌کند (Villers, 2004: 3). دیگران نیز نظرات اصلاحی خود را ارائه کرده‌اند که بدان‌ها اشاره خواهد شد. اهم کاستی‌ها و نواقص اصل مذکور را می‌توان در قالب عناوین زیر دسته بندی کرد.

تناقض لغوی

سالوادور ویناس در مقاله‌ای که به تأمل در اصل حداقل مداخله پرداخته، تناقض لغوی موجود در این اصل را واکاوی کرده است و به تناقض آشکاری که میان دو واژه "حداقل" و "مداخله" در ادبیات لاتین وجود دارد، اشاره می‌کند وی می‌نویسد «هیچ مداخله‌ای نمی‌تواند در شکل حداقلی خود رخ دهد و هنوز مداخله (Vinas, 2009: 49)؛ «هنگامی کلمه حداقل در معنای واقعی کلمه حداقل مداخله ممکن است که هیچ مداخله‌ای محقق نگردد» (Vinas 2005: 188). بنابراین «کاربرد منطقی حداقل مداخله به یک بن بست منجر می‌شود، چراکه تنها گزینه درمان این است که هیچ مداخله‌ای صورت نپذیرد» (Villers 2004: 8). به هر روی همنشینی "مداخله" که ماهیتاً امری فزون طلب است، در کنار واژه "حداقل"، مفهومی التقاطی را شکل می‌دهد.

چیزی در برابر تغییر معنی شده است (Longman, 1995). در بستر حرفه‌ای نیز، حفاظت نوین همواره بر عدم تغییر یا کاستن، سرعت آن در آثار تأکید دارد (Pye, 2001: 25). «بدون تغییر و تخریب... نیازی به حفاظت نخواهد بود» (Pye, 2001: 96) این جمله به تنهایی بیانگر آن است که حفاظت برای متوقف کردن اعمال تغییر در آثار، هدف گذاری شده است. اما مراقبت در عموم موارد، مستلزم اقداماتی است که نتیجه آن‌ها تغییر است (Vinas, 2009: 49) و همین تناقض در مداخلات حفاظتی است که مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است.

از همین رو حفاظت، امروزه به عنوان امری ضروری ولی با بار منفی تصویر می‌گردد، چراکه اصالت اثر را مخدوش نموده، موجب بروز تغییراتی در آن می‌شود و به ارزش‌های آن (بویژه ارزشهای تاریخی) آسیب می‌زند (Fielden, 2003: 8; Vinas, 2005: 188). در ادبیات حفاظت امروز، هنگامی که میراث فرهنگی بدون هیچگونه مداخله‌ای حفاظت شود، می‌گویند حفاظت در بهترین شکل خود تحقق یافته است (Fielden, 2003: 237). باین همه چون در عمل و در بیشتر موارد، حفاظت بدون هیچگونه مداخله ممکن نیست و در حد نظریه باقی خواهد ماند، از آن با عنوان حداقل نامطلوبی که انجام آن ناگزیر می‌نماید، یاد شده است. فیلدن در کتاب حفاظت ابنیه تاریخی، با این بیان که مداخله ضرورت نامطلوبی است که نتایج مطلوب به همراه دارد، از به حداقل رساندن این کار استفاده حداکثری از نتایج آن سخن می‌راند (Fielden, 2003: 32) و یا ویناس در کتاب تئوری معاصر حفاظت از آن به ضرورتی که البته منافع آن بیشتر از ضررهایش است، یاد می‌کند (Vinas, 2005: 190). به همین دلیل هم اصولی چون حداقل مداخله^۸، حفاظت حداقل^۹، حفاظت آرام^{۱۰} (Staniforth, 2010) و جز آن، درباب مداخله در آثار که همگی یک وجه مشترک پر رنگ- حداقل مداخله- را در خود دارد، مطرح شدند.

این نگرش موجب شد "مداخله" به یکی از مهمترین ارکان حفاظت نوین؛ و اصل "حداقل مداخله" به مهمترین اصل حفاظتی بدل گردد. اصلی که هر چند طرفداران زیادی دارد، ولی درعین حال مخالفین، یا حداقل صاحب نظرانی را درمقابل خود می‌بیند که ایرادات جدی و بنیادینی بر آن دارند. با توجه به ابهامات، تناقضات و چالش‌های موجود در زمینه این اصل، به نظر می‌رسد یکی از مهمترین

این مفهوم التقاطی، تقابل و کشمکش در ذهن بوجود می‌آورد که نمی‌تواند به یک اصل، اعتبار درخور آن را اعطاء کند.

نبود معنای مشخص و دقیق

براستی هنوز تعریف روشن و صریحی از اصل حداقل مداخله وجود ندارد (Villers 2004: 4) و این اصل با ابهامات و چالش‌های زیادی روبرو است. با همه تلاش‌هایی که برای ارائه تعریفی از "حداقل مداخله" انجام شده است، هنوز «به سختی می‌توان تعریف مشخص و روشنی از حداقل مداخله ارائه داد» (Pye et al 1987: 355-357) و به نظر می‌رسد «مشکل اصلی حداقل مداخله، ناقص بودن و روشن نبودن اهداف (غایی) آن است» (Caple 2000: 56). به همین دلیل نیز می‌تواند به شکل‌های مختلف تعبیر و تفسیر شود، تا بدانجا که این اصل وسیله توجیه طیف وسیعی از مداخلات در حوزه حفاظت قلمداد شده است (Villers 2004: 4). در این شرایط، تفسیرهای شخصی و سلیقه‌ای و یا اجتهاد حفاظت‌گر، ملاک خواهد بود؛ که حفاظت نوین خود به خاطر پرهیز از آن، به طرح اصول خود می‌پردازد (Villers, 2004: 3, 6) این از شأن یک اصل که باید به مثابه معیاری همگانی کار کند، دور است.

از سوی دیگر گرچه اصل حداقل مداخله به عنوان یک معیار، باید حدودی را مشخص کند، اما بازه‌ای که واژه حداقل را شامل می‌شود، مشخص، و معیاری قابل تبیین در حوزه مداخلات حفاظتی نبوده و کلمه حداقل در واقع حد خاصی را تعیین نکرده (Vinas 2009: 50) حداقل مداخله بیش از آنکه یک اصل باشد، رویکرد و آرمانی در عرصه حفاظت تلقی می‌شود (Villers 2004: 4,8) این تنها یک افق را مشخص می‌کند و به دلیل نبود معنای مشخص و دقیق، نمی‌تواند حدود شایسته یک اصل را تبیین نموده و در عمل ضمانت اجرایی مناسبی را مهیا کند.

تأثیر پذیری از یک جو خاص زمانی

یک اصل برای بر خودداری از شمولیت و عمومیت، نباید به جو زمانی و مکانی خاص وابسته باشد و باید در یک فضای آرام و فاقد تنش شکل گرفته و نوشته شود تا از اعتبار حداکثری برخوردار باشد در غیر اینصورت

نمی‌تواند در طول زمان و برای مکان‌های مختلف مصداق داشته باشد. اصل حداقل مداخله این شرایط را نداشته و مولود بستر زمانی خاصی است که در آن زاده شده است. حفاظت معماری بواسطه رابطه تنگاتنگی که با معماری بطور خاص و هنر بطور عام دارد، از اسلوب، شیوه‌ها و سبک‌های معماری و هنری در دوره‌های مختلف تأثیرات بسیاری گرفته است. حفاظت مدرن نیز مشمول همین قاعده است. توصیه به حفاظت در شکل حداقلی آن و شکل‌گیری اصل حداقل مداخله به عنوان مهمترین اصل حفاظت نوین، در فضایی شکل گرفت که اصول هنر و معماری این دوره تمایلات بسیاری را در این زمینه داشتند. میل هنر و معماری دوره مدرن به سادگی، خلوص و پرهیز از کارهای اضافه و تقدیر از هنر در شکل حداقلی و کمترین آن، امری رایج در این دوره قلمداد می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۹: ۱۸۷). تأکید پیشگامان معماری مدرن چون گروپئوس، لوکوربوزیه، میس وندروهه و دیگران بر این امر به شکل‌گیری گونه‌ای خاص از معماری که مفاهیم خاصی از سادگی و خلوص را به تصویر می‌کشید منجر شد (بنه ولو ۱۳۷۷، جلد ۲: ۱۵۹؛ بنه ولو ۱۳۷۷، جلد ۱: ۶۲؛ بنه ولو ۱۳۷۷، جلد ۲: ۱۵۵؛ بنه ولو ۱۳۷۷، جلد ۱: ۱۵۳، ۱۵۲). معماران مدرن، معماری گذشته را با عنوان مجموعه‌ای از "بیشترین‌ها" تقبیح می‌کردند (بنه ولو ۱۳۷۷، جلد ۲: ۱۵۹). این حرکت تا بدانجا پیش رفت که تزئینات معماری که تا پیش از این، بخش مهمی از شاکله معماری را شامل می‌شد، به شدت مورد سرزنش قرار گرفت و آدولف لوس در مقاله‌ای تزئین را جنایت برشمرد (Loos, 1998). این خود تأثیر بسزایی در این زمینه داشت، تا مرمت را به طور خاص و حفاظت را بطور عام، به این سمت هدایت نماید. تکیه بر شعارهای معماری، مدرن چون «کم، بیش است»^{۱۲} یا «کمتر انجام دادن بهتر است» (Beltinger, 1995: 111-8) و یا «تزئین جنایت است» (Loos 1998) نقش بسزایی در اتخاذ این رویکرد حفاظتی ایفا کرد. (Villers, 2004: 4,9) رابطه "حداقل مداخله" و "جنبش‌های حداقلی" دیگر در هنر و معماری مدرن که به جنبش‌های مینیمالیستی^{۱۳} معروف، و بعد از جنگ جهانی و در دهه ۱۹۵۰ با اقبال فراگیری مواجه شدند (اسمیت ۱۳۸۹: ۱۸۷، ۲۰۱؛ چیلورز و دیگران ۱۳۸۰: ۲۱۲)، قابل پیگیری است. جنبش‌های مینیمالیستی، در تثبیت و تبدیل اصل حداقل مداخله در حوزه حفاظت به یک اصل بنیادین، مؤثر بودند.



صورت اصیل و به دور از هر گونه دست خوردگی محفوظ نگه می‌دارد (یوکیلتو ۱۳۸۷: ۱۶۴). در این دیدگاه «نهایت حرمت یک بنا (اثر) به آن است که تاریخ ممتدی در تاق‌های سیاه شده از گذر قرن‌های آن نقش بسته باشد» (یوکیلتو، ۱۳۸۷: ۱۴۸). این نوع نگاه تغییر در اثر را بر نمی‌تابد و تا بدانجا پیش می‌رود که مرمت به اندازه تخریب خطرناک قلمداد می‌شود (یوکیلتو، ۱۳۸۷: ۱۵۱)؛ حتی اگر این گونه از نگهداری، بسیاری از مفاهیم متعالی مترتب بر اثر را مخدوش کند. در حفاظت تاریخی حق مداخله در سیمای اثر به منظور کمک به بقای آن کمتر وجود دارد (یوکیلتو، ۱۳۸۷، ۱۶۴)، زیرا ارزشهای تاریخی آن مخدوش می‌شود (Vinas, 2005: 67) و گفته می‌شود بهتر است اثر که بمیرد تا اینکه بواسطه تغییرات دوره جدید بی‌آبرو شود. (یوکیلتو، ۱۳۸۷: ۱۵۲)

از سوی دیگر «این برآستی جنایت است که بگذاریم یک یادمان صرفاً برای احترام به هنر (تاریخ) با گذشت زمان فرو پاشد» (یوکیلتو، ۱۳۸۷: ۱۶۳) و امکان بهره‌برداری از قابلیت‌های آن چنان قابلیت‌های عملکردی، آموزشی و... در سایه عدم مجوز تغییر در اثر بسیار کمرنگ شود. بنابر این اشکالی که از این منظر بر اصل حداقل مداخله وارد است، بی‌توجهی به دیگر انواع حفاظت است که هر یک بر محوریت توجه به وجهی از آثار شکل گرفته‌اند. حفاظت تاریخی نسبت به دیگر نگرش‌های حفاظتی، توجه کمتری به وجوه ناملموس اثر که حفاظت امروز بر آن تأکید دارد، معطوف می‌نماید و طبیعی است منتقدان حفاظت تاریخی انتقاداتی را بر این اصل وارد می‌دانند. ضمن آنکه حفاظت تاریخی نمی‌تواند گونه‌ای مناسب برای تمامی آثار باشد.^{۱۴} بنابر این اصل مذکور با گرایش‌های افراطی در حوزه حفاظت تاریخی، اشکالات و نواقصی را در مقام یک اصل همه شمول در بر دارد.

کمی بودن - امری تک ساحتی

حفاظت مقوله‌ای کیفی است، چرا که موضوع آن مرتبط با کیفیات متنوع، در قالب معماری می‌باشد. کمی کردن اصول مربوط به آن، نادیده گرفتن وجوه بسیار مهمی از مقوله حفاظت را موجب می‌شود. به نظر می‌رسد جنس این معیار (جنس کمی) با جنس موضوعی که بدان می‌پردازد به لحاظ ماهیتی قرابت ندارد؛ به گونه‌ای که

شکل‌گیری مفهومی جدید از تاریخ، تاریخ‌گرایی و نیز قائل شدن ارزش‌های بی‌بدیل تاریخی، که به ناموس دوره مدرن بدل شده بود، برای آثار گذشتگان، اجازه دخل و تصرف را به کمتر کسی می‌داد و توجیهی برای پذیرش این اصل محسوب می‌شد (Villers 2004: 6). یوکیلتو در کتاب تاریخ حفاظت به نقل از افرادی چون مریمه، راسکین، موریس، دیدرو، کاستیناری و دیگران در توصیه به پرهیز از دخل و تصرفات حفاظتی به موارد زیادی اشاره می‌کند (یوکیلتو ۱۳۸۷: ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۵۲، ۵۳، ۶۰). از سوی دیگر همانگونه که گفته شد، در بدو شکل‌گیری حفاظت جدید به آسیب‌های وارده بر آثار بدلیل اعمال مداخلات سلیقه‌ای، بی‌ملاحظه و افراطی، جوی از هراس و نگرانی شکل گرفته بود که در آن کار نکردن بهتر از کارهای انجام شده و حفاظت مطلوب تلقی می‌گشت (Villers 2004: 7). از سوی دیگر، محوریت علم و رشد فزاینده روش‌های علمی، حفاظت را به سمت نگرشی پوزیتیویستی با تمایلات ابژکتیو سوق داد (Villers 2004: 4, 5, 8; Clavir 1998: 1-8) و در این نوع نگاه، حداقل مداخله، کم‌رنگ شدن سوژکتیویته را به همراه داشت؛ این خود از دیگر دلایل اقبال به این اصل بود. همچنین ناکارآمدی اصولی چون بازگشت‌پذیری (Villers 2004: 4) حفاظت مدرن را با خلاء یک اصل که به نوعی طیف نظرات را ارضاء و اقناع کند مواجه کرد. در چنین شرایطی اصل حداقل مداخله، گمشده حفاظت نوین به شمار آمد؛ حال آنکه در عمل در خصوص ماهیت و ضمانت موفقیت این اصل کمتر اندیشیده شد.

اولویت دادن به حفاظت تاریخی (موزه‌ای)

در میان گونه‌های مختلف حفاظت موجود، حداقل مداخله، تمایل بسیاری به حفاظت تاریخی و موزه‌ای و انجماد و مومیایی کردن اثر، آنچنان که بوده و با کمترین دخل و تصرفی دارد. حداقل مداخله، یک رویکردی رایج در موزه‌هاست (Villers, 2004: 4). این اصل که ریشه در تفکرات محافظه‌کارانه و تاریخ‌گرایانه نیمه اول قرن نوزدهم دارد (یوکیلتو، ۱۳۸۷: ۱۵۲) در طول قرن بیستم بشکلی پررنگ در حوزه حفاظت ادامه یافت. در این رویکرد حفاظتی، محور ارزش‌های مترتب بر اثر، ارزش‌های تاریخی و نیز کیفیتی از اثر است که در آن کالبد آن، وضعیتی را که در طول روند حرکت تاریخی خود بدست آورده است، به

به جای بحث بر سر نوع مداخله و ابعاد مختلف آن که از ملزومات مقولات کیفی است، بر میزان مداخله، که مسئله‌ای کمی است، پای می‌فشارد. از این اصل این چنین برداشت می‌شود که «هر مداخله‌ای به لحاظ کیفی (ماهوی) مورد پذیرش است، اما در حداقل آن» (Ackroyd et al, 2004: 4) و همین از بزرگترین ضعف‌های این اصل قلمداد می‌گردد.

ممانعت از رشد و تداوم حیات آثار - استقبال از آسیب

معماری یک ارگانیزم باز (زنده) است (نقره کار ۱۳۸۶: ۱۴؛ Ruskin, 1849: Chapter 5) و برای تداوم حیات خود نیازمند تغییر و مداخلاتی است که موجبات رشد و سازگاری آن با شرایط جدید را فراهم آورد. جلوگیری از این مهم، آن هم با هدف حفاظت، نقض غرضی آشکار است. از مهمترین چالش‌های اصول مداخلات حفاظتی، عدم امکان اجازه حیات، رشد و تغییر به آثار و محدود کردن شرایط برای این کار است. از سوی دیگر، «بیش از هر چیز، زنده نگه داشتن بنا بیشترین اهمیت را دارد» (Viollet-le-Duc, 1854-68, 8: 27).

همانگونه که گفته شد حداقل مداخله نوعی «حفاظت موزه‌ای» را شامل می‌گردد که در آن مومیایی کردن کالبد آثار و حفظ آن با حداقل تغییر از وضع اولیه، مورد نظر است؛ در شرایطی که در بیشتر موارد «بهترین راه حفظ یک بنا (اثر) یافتن راهی برای استفاده از آن است» (Viollet-le-Duc, 1854-68, 8: 31) زیرا استفاده درست و اصولی، تداوم حیات بنا را موجب می‌گردد و شکل حقیقی حفاظت را محقق می‌سازد.

می‌توان گفت اصول مداخله، با این شکل اصیل حفاظت همراه نبوده و حتی در برخی موارد تهدیدی برای آن - تداوم حیات بنا - به شمار می‌روند.

شمشیر دولبه

مداخله به همان نسبت که از پیامدهای منفی احتمالی یک اقدام حفاظتی جلوگیری می‌کند، از نتایج مثبتی که این اقدام می‌تواند در تحقق اهداف حفاظتی داشته باشد نیز، جلوگیری می‌کند و این سؤال را مطرح می‌سازد که اصلاً چرا باید این اصل مداخله را محدود کند و نه اقداماتی را که به نتایج منفی آن منجر می‌شود (Vinas, 2009: 53). در واقع از این منظر، کل مداخله، محل ارزش‌های اثر و حفاظت از آن تلقی شده است و نه

پیامدهای احتمالی منفی‌ای که در بر خواهد داشت؛ به همین دلیل هم این اصل به «ترمز حفاظت» تعبیر شده است (Villers, 2004: 3).

به حداقل رساندن مداخلات، نه تنها راه حفاظت از اثر را هموار نمی‌کند، بلکه مرگ تدریجی اثر را نیز به همراه خواهد داشت مانند بیماری که برخی از خوردنی‌ها برای وی مضر است، ولی هرگز پزشک به این بهانه مصرف حداقل مواد غذایی را تجویز نمی‌کند بلکه با مدیریت مواد غذایی نیازهای بیمار را پاسخ و از رسیدن مواد مضر به وی جلوگیری می‌کند. از این منظر حداقل مداخله به نوعی حرکت در مسیر حذف صورت مسئله و نه حل مسائل مبتلا به آن است. اثر برای تداوم حیات خود در بسترهای مختلف، به مقتضیات متفاوتی نیازمند است و مطمئناً معیارهای مداخله باید تمهیدات این تداوم را با پیشنهاد مداخلات حفاظتی مناسب فراهم آورند.

بی توجهی به آسیب‌های ناشی از مداخلات کوچک

حداقل مداخله، همانگونه که از نام آن پیداست، مداخلات ریز و کوچک را نسبت به مداخلات اساسی که دامنه وسیع تری از اقدامات را طلب می‌کنند، توصیه می‌کند. طبیعی است که چون این مداخلات محدود هستند، باید بصورت دوره‌ای و حسب نیازهای اثر تکرار شوند، چرا که اعمال مداخلات کوچک مستلزم تکرار آن‌ها در یک بازه زمانی مشخص است. از سوی دیگر در پذیرش اصل مذکور «تأثیر منفی مداخلات کوچک حداقلی مکرر، دست کم گرفته شده است» (Ackroyd et al, 2004: 4; Villers 2004: 7). و تاکنون این موضوع و تغییرات احتمالی ناشی از آن در آثار که اساساً بواسطه گریز از آن‌ها حداقل مداخله پذیرفته شده، مورد تأمل قرار نگرفته است.

در پایان پس از بیان همه چالش‌ها و کاستی‌هایی که ذکر آن رفت، باید اذعان داشت حداقل مداخله با همه اشکالاتی که ذکر آن رفت، بواسطه نقش بازدارندگی آن از آسیب‌های خود سرانه، ندانم کاری‌ها، اقدامات نابجا و جبران‌ناپذیر و افراطی به آثار، قابل احترام و اعتبار است (Vinas, 2005: 191) و به نظر می‌رسد بواسطه همین نقش بازدارندگی، در مقابل تغییرات و اقدامات افراطی مورد استقبال قرار گرفته است. با این حال این بازدارندگی خود نباید به هزینه افراط در انجماد اثر و جلوگیری از مکانیزم طبیعی حیات آن همراه شود. این اصل می‌تواند



تکمیل این اصل داشت (براندی، ۱۳۸۷)؛ ویناس که پیشنهاد خود را در جهت ارتقاء این اصل با طرح اصل "تعال در فقدان معانی" در مداخلات حفاظتی ارائه نمود (Vinas, 2009: 53)؛ ویلرز اصل "فرا حداقل مداخله"^{۱۵} را مطرح کرد (Viller, 2004: 3-9) این مقاله سعی داشت تا با جمع‌بندی تمامی انتقادات و ارزیابی نظری آنها به دیدگاهی با شمولیت قابل قبول در این زمینه دست یابد؛ دیدگاهی که بتوان بر مبنای آن، به راهکارهایی برای برون رفت از چالش‌های پیش رو اقدام کرد.

ارتقاء یافته و تکامل یابد؛ به شرط آنکه تمامی ابعاد آن بررسی و تک بعدی بدان نگریسته نشود؛ زیرا در آن حالت، پوشش دادن یک یا چند ایراد، مابقی ایرادات را مرتفع نساخته و می‌تواند بواسطه نگاه تک بعدی اشکالات جدیدی را بوجود آورد. تجربه انتقادات به این اصل توسط برخی از صاحب نظران که با طرح برخی از کاستی‌های موجود، سعی در ارتقاء یا عبور از این اصل را داشتند، به خوبی گویای این مطلب است. افرادی چون براندی که با پیشنهاد "حداقل مداخله ضروری" سعی در

نتیجه‌گیری

ارتباط تنگاتنگ میان مداخلات حفاظتی و حفاظت؛ باعث شده است برخی مداخله و حفاظت را عین هم بدانند. حداقل مداخله به عنوان اساسی‌ترین اصل مداخله در آثار، امروزه جایگاه ویژه‌ای را در گستره حفاظت به خود اختصاص داده و به مهمترین اصل حفاظت بدل شده است. اما این اصل کاستی‌ها و نواقصی هم دارد که می‌تواند چالش‌هایی را در حوزه حفاظت در پی داشته باشد.

کاستی‌هایی که زیر عنوان:

تناقض لغوی

نبود معنای مشخص و دقیق

تأثیر پذیری از یک جو خاص زمانی

اولویت دادن به حفاظت تاریخی (موزه ای)

کمی بودن - یک امر تک ساحتی

پیشگیری از رشد و تداوم حیات بنا- استقبال از آسیب

شمشیر دو لبه

بی توجهی به آسیب‌های ناشی از مداخلات کوچک

بدان‌ها اشاره شد. رفع این کاستی‌ها و نواقص، مستلزم کشف و تبیین آنهاست؛ کاری که این مقاله در قالب بحثی نظری سعی در انجام آن داشت تا با نگاهی همه شمول به ضعف‌های این اصل، بتواند مقدمات پیچیدن نسخه‌ای مناسب برای اصلاح و ارتقاء این اصل را فراهم کرده و با لحاظ کردن باری مثبت در پس حداقل مداخله، از تبعات منفی این اصل کاسته و ضرورت ارتقاء یا طرح اصولی جایگزین را متذکر گردد و مسیر پیشرفت حفاظت از این منظر را هموار کند.

پی‌نوشت

1 -Preservation

2 -Restoration

۳-به این مهم و دلایل آن در بخش اصول مداخلات حفاظتی به تفصیل اشاره شده است.

3 -SPAB (Society for the Protection of Ancient Buildings)

4 -"The most important axiom of conservation is: Minimal Intervention is Best"(University of Florida 2007)

5 -Robert Demaus:"Intervention should be kept to an absolute minimum"(Fielden 2003, xi)

6 -Pecht

7 -Minimum of Intervention

8 -Minimal Conservation

9 -Slow Conservation

10-Missing Point

۱۱-جمله معروف میس وندروهه از معماران برجسته دوره مدرن(دائرة المعارف معماری قرن بیستم، ۱۳۸۲: ۲۶۷)

12-Minimalism

۱۳-تا بدانجا که پس از دسته بندی آثار به دو گروه زنده و مرده، مقرر گردید حفاظت تاریخی صرف در مورد آثار دسته دوم اعمال گردد (یوکیلتو، ۱۳۸۷: ۱۶۵). (International Congress of Architects, 1904) هر چند که بعدها به همین دسته بندی نیز اشکالاتی وارد گردید.

14-Post Minimal Intervention

منابع

- آریانپور کاشانی، عباس، (۱۳۷۰)، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، جلد دوم، چاپ پنجم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- آریانپور کاشانی، عباس، آریانپور کاشانی، منوچهر، (۱۳۶۹)، چاپ نهم، فرهنگ دانشگاهی، تهران.
- اسمیت، ادوارد لوسی، (۱۳۸۹)، مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش های هنری قرن بیستم، چاپ یازدهم، موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر، تهران.
- براندی، سزاره، (۱۳۸۷)، تئوری مرمت، ترجمه پیروز حناچی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- حق شناس، علی محمد، سامعی، حسین، انتخابی، نرگس، (۱۳۸۵)، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی- فارسی، چاپ هفتم، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- حبیب، سلیمان، (۱۳۷۵)، فرهنگ بزرگ انگلیسی- فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- چیلورز، ایان، آزبورن، هارولد و دیگران، (۱۳۸۰)، سبک ها و مکتب های هنری، ترجمه فرهاد گشایش، انتشارات عفاف، تهران.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم از دوره جدید، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- عزیزی، محمدمهدی، (۱۳۷۹)، سیر تحول سیاست های مداخله در بافتهای کهن شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، ۳۷-۴۶.
- عمید، حسن، (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ نوزدهم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- کشاورز، محسن، (۱۳۸۷)، پیشینه آموزش مرمت معماری در ایران، گلستان هنر (ویژه نامه به یاد سید باقر آیت الله زاده شیرازی)، فرهنگستان هنر، ۳۳-۳۸.
- معین، محمد، (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی معین (متوسط)، چاپ چهارم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۸۶)، انسان، طبیعت، معماری، دانشگاه پیام نور، دانشکده فنی و مهندسی (گروه علمی مهندسی معماری و شهرسازی)، تهران.
- بنه ولو، لئوناردو، (۱۳۷۷)، تاریخ معماری مدرن، ترجمه حسن نیر احمدی، جلد دو، مهندسی مشاور نیرسان، تهران.
- یوکیلتو، یوگا، (۱۳۸۷)، تاریخ حفاظت معماری، ترجمه محمد حسن طالبیان و خشایار بهاری، روزنه، تهران.

- Collins Dictionary of the English Language, (1986), Collins Sons & Co, London & Glasgow.

- Longman Dictionary of Contemporary English, (1995), Longman, London.

- AIC (American Institute for Conservation of Historic and Artistic Works), (1996), Code of Ethics and Guidelines for Practice, edited by A. Directory, AIC, Washington DC.

- Ackroyd, P., Villers, C., (2003), Increasing minimalism. in Alternatives to Lining, edited by M. Bus tin and T. Caley, UKIC/BAPCR, London.



- Avrami, E., Mason, R., de la Torre, M., (2000), *Values and Heritage Conservation*, The Getty Conservation Institute, Los Angeles.
- Beltinger, K., (1995), *Reversible Supports for Painting as an alternative to Lining*. In Lining and Backing, Papers Delivered at the UKIC Conference 7-8 November, UKIC, London.
- Brooks, M. M., (1998), *International Conservation Codes of Ethics and Practice and Their Implications for Teaching and Learning Ethics in Textile Conservation Education with Special Reference to the Diploma in Textile Conservation Taught at the Textile Conservation In International Perspective in Textile Conservation*, edited by D. Eastop and A. Timar-Balazy, Archetype, London.
- Caple, C., (2000), *Conservation Skills: Judgement, method and decision making*, Routledge, London.
- Clavir, M., (1998), *The Social and Historic Conservation of Professional Values*, Studies in Conservation, 43: 1-8.
- Clavir, M., (2002), *Preserving what is valued: museums, conservation, and First Nations*, Ubc Press, Vancouver.
- Conti, A., (2007), *History of the restoration and Conservation of Works of Art*, Butterworth-Heinemann, Oxford.
- Corfield, M., (1988), *The Reshaping of Archaeological Metal Object: Some Ethical Considerations*, *Antiquity*, 62, 235, 261-265.
- Daly, H. D., (1990), *An Historical Introduction to Conservation*. In Shared Responsibility, Proceedings of a Seminar for Curators and Conservators, National Gallery of Canada, 26th-28th October 1998, edited by Ramsay-Jolicoeur, B. A. and I. N.M. Wainwright, National Gallery of Canada, Ottawa.
- Dann, N., Cantell, T., (2007), *Maintenance in Conservation*. In Understanding historic building conservation, edited by M. Forsyth, Blackwell, Oxford.
- Division of Vertebrate Paleontology, (2007), *Vertebrate Paleontology Preparation and Conservation*, University of Florida, Florida Museum of Natural History 2007 [cited 12 November 2010], Available from www.flmnh.ufl.edu/vertpaleo/prep.htm.
- Feilden, B. M., (2003), *Conservation of Historic Building*, 3rd ed., Architectural Press, Burlington.
- Forsyth, M., (2007), *The Past is the Future*. In Understanding historic building conservation, edited by M. Forsyth, Blackwell, Oxford.
- Hanssen-Bauer, F., (1996), *Stability as a technical and an ethical requirement in conservation*. In ICOM committee for conservation, 11th triennial meeting in Edinburgh, Scotland, 1-6 September 1996: Preprints edited by J. Bridgland, James & James, London.
- House of Lords (Science and Technology Committee), (2006), *Science and Heritage*, The Authority of the House of Lords, London.
- ICOMOS: International Council on Monuments and Sites, (1964), *International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites: 2nd International Congress of Architects and Technicians of Historic Monuments*, Venice.
- ICOMOS New Zealand (New Zealand National Committee of the International Council on Monuments and Sites), (1993), *Charter for the conservation of places of cultural Heritage Value*.
- ICOMOS New Zealand (New Zealand National Committee of the International Council on Monuments and Sites), (2010), *Charter for the conservation of places of cultural Heritage Value*.
- International Congress of Architects, (1904), *Recommendations of the Madrid Conference* (Sixth International Congress of Architects)
- MOD Conservation Manual, Defence Works Services Design and Maintenance Guide(Principles Repair and Alterations), HISTORIC BUILDINGS FACTSHEET, (1994) [cited 2010/2/4, Available

- from www.mod.uk/NR/rdonlyres/C3F23368-5534-4E21.../1004.pdf
- Meraz, F. A., (2008), "*Architecture and Temporality in Conservation Philosophy.*" Nottingham.
 - Morris, W., (1877), *The Principles of the Society (for protection of Ancient Buildings) as set forth upon its Foundation*, The Builder, 35.
 - Pye, E., (2001), *Caring for the Past: Issues in conservation for archaeology and museums*, James&James, London.
 - Pye, E., Cronyn, J., (1987), *The Archaeological Conservator Re-examined: a personal view*, In *Recent Advances in the Conservation and analysis of Artefacts*, edited by J. Black, Summer Schools Press, London.
 - Redondo, M. R., (2008), *Is Minimal Intervention A Valid Guiding Principle?* e-conservation, www.e-conservationonline.com.
 - Ruskin, J., (1849), *The Seven Lamps of Architecture*, First ed. , Smith, Elder and Company, London.
 - Ruskin, J., (1883), *The Seven Lamps of Architecture*, Orpington, Kent, George Allen.
 - Staniforth, S., (2010), *Slow Conservation*, *Studies in Conservation*, 55:74-80.
 - Tyler, Norman, Ligible, Ted J., Tyller, Ilen R., (2009), *Historic Preservation: An Introduction to its History, Principles, and Practice*, Second ed., W.W.Norton&Company, New York.
 - Understanding Conservation, COTAC, (2009), [cited 2/4/2011] Available from www.understandingconservation.org.
 - Villers, C., (2004), *Post minimal intervention*, *The Conservator*, 28:3-10
 - Vinas, S. M., (2009), *Minimal Intervention Revisited*. In *Conservation: Principles Dilemmas and -Uncomfortable Truths*, edited by A. Richmond and A. Bracker, Butterworth-Heinemann, Oxford.
 - Vinas, S. M., (2005), *Contemporary Theory of Conservation*, Elsevier Butterworth-Heinemann, Burlington.
 - Viollet-le-Duc, E-E., (1854-68), *Dictionnaire raisonne de l'architecture Francaise du XIe au XVIe siècle*, 10 vols, Vol. 8, Paris, B. Bance.
 - Williams, S. L., (1997), *Preventive Conservation: the evolution of a Museum Ethic*. In *Museum Ethics*, edited by G. Edson, Routledge, London and New York.



Minimum Intervention, the Greatest Challenge of Conservation Interventions Cultural Heritage

Ahmad Aminpoor* Mohsen Abbasi Harofteh**

Abstract

Conservational interventions are considered to be a cornerstone of cultural heritage conservation, and minimum of intervention is known as the basic fundamental principle in this field which establishes a new approach in heritage conservation. However, it involves some shortcomings which would bring about some conservational challenges.

Using a rational argumentation, this study sets out to identify, classify, and analyze the limitations and shortcomings of minimum intervention and the prevailing challenges which follows the approach. Having a theoretical basis and an evolutionary background, and by analyzing different aspects of this principle, the article tries to achieve a proper recognition of minimum intervention, its essence and shortcomings, and there will be an attempt to improve and enrich the intervention principles of cultural heritage conservation.

Keywords: Conservation, Intervention, Minimum of Intervention, Intervention principle, Architecture Heritage

* Assistant Professor, Art University of Isfahan

**PhD Student in Conservation, Art University of Isfahan